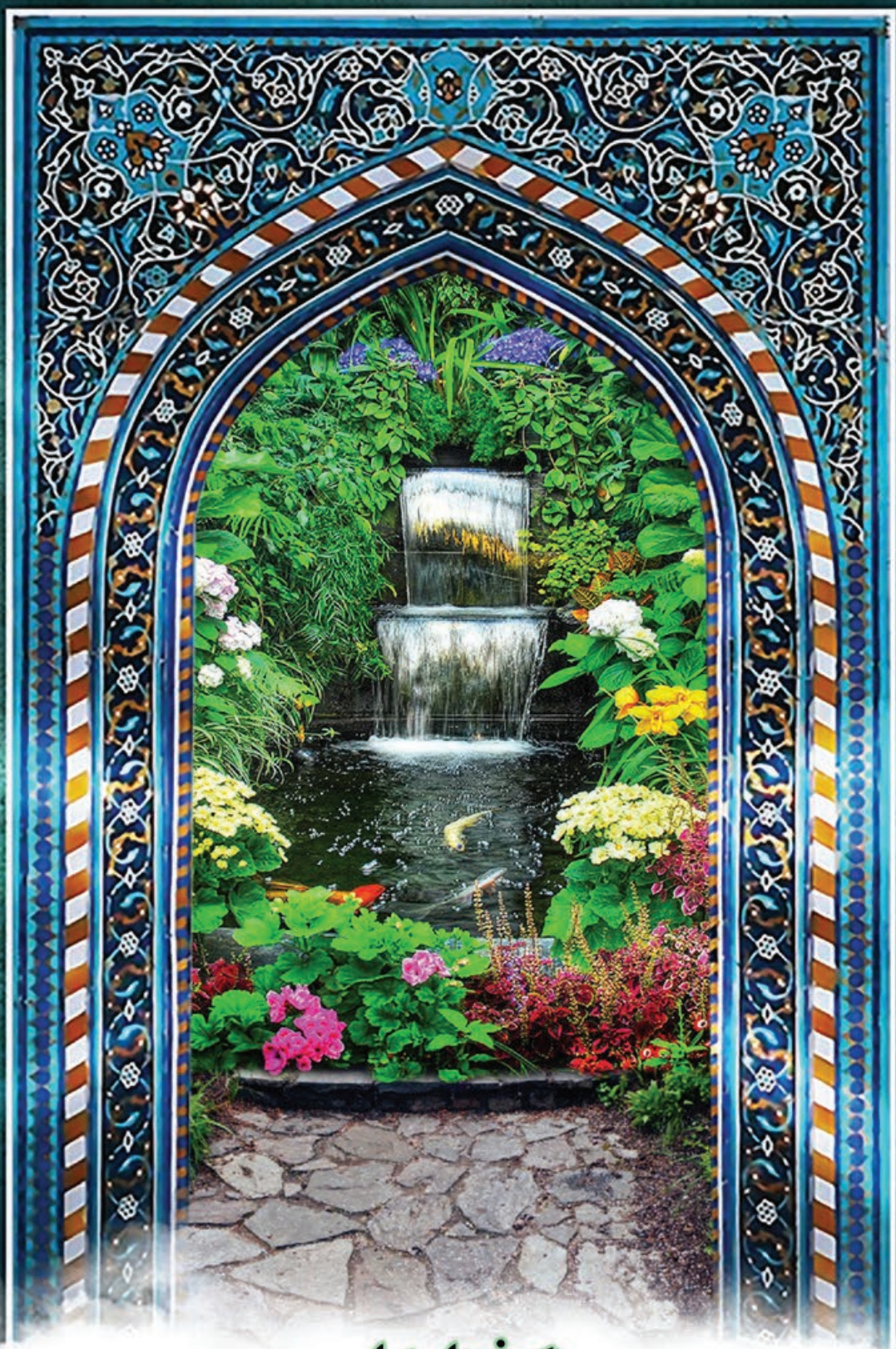




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ پوشش و آرایش

بسم الله الرحمن الرحيم

شش گفتار از آن جناب درباره‌ی فضیلت گذاشتن ریش و احکام آن

۱. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ اللَّحْيَةِ، فَقَالَ: هِيَ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ، أَمَّا سَمِعْتَ قَوْلَ هَارُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَخِيهِ: «يَا ابْنَ أُمٍّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي»؟! فَكَانَ لَهُ لِحْيَةٌ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَفْتَدِهِ»^۱، وَقَالَ: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ»^۲، فَأَحَبُّ لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَكُونَ لَهُ لِحْيَةٌ.

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی گذاشتن ریش پرسیدم، پس فرمود: آن از سنت‌های پیامبران است، آیا سخن هارون علیه السلام به برادرش را نشنیده‌ای که فرمود: «ای پسر مادرم! ریش من و سر من را نگیر»؟! پس برای او ریشی بود و خداوند فرموده است: «آنان کسانی بودند که خداوند هدایت‌شان کرده بود، پس به هدایت آنان اقتدا کن» و فرموده است: «هرآینه برای شما در آنان الگوی نیکویی برای هر کسی است که به خداوند و روز واپسین امید دارد»، پس برای مرد مسلمان دوست می‌دارم که ریشی داشته باشد.

۲. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ الْخُرَّاسَانِيُّ، قَالَ: رَأَى الْمَنْصُورُ رَجُلًا فِي الْمَسْجِدِ قَدْ حَلَقَ لِحْيَتَهُ، فَقَالَ لَهُ: مَا مَنَعَكَ أَنْ تَتْرُكَ مِنْ لِحْيَتِكَ شَيْئًا تَتَرْتِّبُ بِهِ وَتَتَشَبَّهُ بِالصَّالِحِينَ؟ قَالَ الرَّجُلُ وَهُوَ مُغْصَبٌ: لَا أَجِدُ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَأْمُرُ بِذَلِكَ وَلَا أَتَّبِعُ إِلَّا مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِ اللَّهِ! فَقَالَ الْمَنْصُورُ: أَنْتَ مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ قُرْآنِيُّونَ؟ قَالَ الرَّجُلُ: نَعَمْ، فَقَالَ الْمَنْصُورُ: كَذَبُوا وَكَذَبْتَ، أَمَا قَالَ اللَّهُ:

۱. طه / ۹۴

۲. الأنعام / ۹۰

۳. الممتحنة / ۶



﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾^۱ إِنَّهُ قَدْ زَيَّنَ الرِّجَالَ بِالدَّوَابِّ، فَلَا يَنْبَغِي لِلرِّجَالِ أَنْ يَخْلُقُوا وُجُوهُهُمْ وَلَا يَنْبَغِي لِلنِّسَاءِ أَنْ يَخْلُقْنَ رُؤُوسَهُنَّ! ثُمَّ قَالَ: كَمْ مِنْ جَاهِلٍ مُتَكَبِّرٍ يَزْعُمُ أَنَّهُ قُرْآنِي وَهُوَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ الْقُرْآنِ!

ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف خراسانی ما را خبر داد، گفت: منصور مردی را در مسجد دید که ریش خود را تراشیده است، پس به او فرمود: چه چیزی تو را بازداشت که چیزی از ریش خود را بر جا گذاری تا با آن زینت یابی و به صالحان مانند شوی؟ مرد در حالی که به خشم آمده بود گفت: در کتاب خداوند آیه‌ای نمی‌یابم که به این کار امر کرده باشد و من جز از چیزی که در کتاب خداوند به آن امر شده باشد، پیروی نمی‌کنم! پس منصور فرمود: آیا تو از آنانی هستی که می‌پندارند قرآنی هستند؟ مرد گفت: آری، پس منصور فرمود: هم آنان دروغ گفتند و هم تو دروغ گفتی، آیا خداوند نفرموده است: «ای فرزندان آدم! زینت خود را نزد هر مسجدی بگیرید»؟! هرآینه او مردان را با ریش‌ها و زنان را با گیسوها زینت داده است، پس برای مردان شایسته نیست که روی‌های خود را بتراشند و برای زنان شایسته نیست که سرهای خود را بتراشند! سپس فرمود: چه بسیار نادان خودپسندی که می‌پندارد قرآنی است، در حالی که دورترین مردم از قرآن است!

شرح گفتار:

گفتار آن جناب، استفاده‌ای بدیع از سخن خداوند برای ارشاد کسی است که به سنت پیامبر و سیره‌ی صالحان اعتنایی ندارد و -به پندار خود- تنها از سخن خداوند پیروی می‌کند؛ با این تقریر که مهم‌ترین زینت جسمانی برای مردان، ریش آنان و مهم‌ترین زینت جسمانی برای زنان، گیسوی آنان است که خصیصه‌ی طبیعی آنان محسوب می‌شود و از این رو، امر خداوند به داشتن زینت -با اطلاق خود- داشتن ریش و گیسو را در بر می‌گیرد و بر ناشایست بودن تراشیدن آن دو توسط مردان و زنان مسلمان دلالت می‌کند؛ زیرا تراشیدن آن دو توسط آنان، زدودن زینت مردانه و زنانه توسط نمازگزاران است که بر خلاف امر خداوند است.

۳. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَا تَكْرَهُوا خَلْقَ اللَّهِ وَلَا تُغَيِّرُوهُ فَإِنَّكُمْ لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا أَحْسَنَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ! قُلْتُ: أَرَأَيْتَ الَّذِي يَخْلُقُ لِحْيَتَهُ، أَهُوَ مِمَّنْ يُغَيِّرُ خَلْقَ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا دَاوَمَ عَلَى ذَلِكَ فَلَمْ يَتْرُكْهَا تَنَبَّتْ كَأَنَّهُ امْرَأَةٌ!

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: از خلقت خداوند بدتان نیاید و آن را تغییر ندهید؛ زیرا شما چیزی خلق نمی‌کنید که از خلقت خداوند بهتر باشد! گفتم: به نظرتان آیا مردی که ریش خود را می‌تراشد، از کسانی است که خلقت خداوند را تغییر می‌دهند؟ فرمود: آری هرگاه بر این کار مداومت داشته باشد، پس آن را نگذارد که بروید، چنانکه گویی زنی است!

۴. أَخْبَرَنَا جُبَيْرُ بْنُ عَطَاءٍ الْحُجَنْدِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ خَلْقِ اللَّحْيَةِ أَهْوَ فِسْقٌ؟ قَالَ: لَا وَلَكِنَّهُ سُنَّةُ الْفَاسِقِينَ، ثُمَّ قَالَ: لَا تَحِدْ خَالِقَ اللَّحْيَةِ إِلَّا كَافِرًا أَوْ فَاسِقًا أَوْ سَفِيهًا رَقِيقَ الدِّينِ أَوْ خَائِفًا عَلَى نَفْسِهِ.

ترجمه‌ی گفتار:

جُبیر بن عطاء حُجندی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی تراشیدن ریش پرسیدم که آیا فسق است؟ فرمود: نه، ولی سُنّت فاسقان است، سپس فرمود: تراشده‌ی ریش را نمی‌یابی مگر کافر یا فاسق یا کم‌عقلی نازک دین یا کسی که بر خود بیمناک است.

شرح گفتار:

مراد آن جناب از «کسی که بر خود بیمناک است»، کسی است که به کافران یا فاسقان یا کم‌عقلان نازک دین حاجتی دارد و می‌ترسد که در صورت گذاشتن ریش، به او بدگمان شوند و آسیبی برسانند؛ با توجه به اینکه اکنون گذاشتن ریش توسط یک مسلمان، نشانه‌ای از التزام او به احکام اسلامی انگاشته می‌شود و باعث نگرانی و دوری کردن کسانی می‌گردد که التزام به احکام اسلامی را نمی‌پسندند یا به کسی نیاز دارند که التزام چندانی به احکام اسلامی نداشته باشد. به علاوه، «کسی که بر خود بیمناک است» در گفتار آن جناب می‌تواند مسلمانی باشد که کافر یا فاسق یا کم‌عقلی نازک دین، او را به تراشیدن ریش اکراه می‌کند و این چیزی است که در گفتار دیگری از آن جناب آمده است:

۵. أَخْبَرَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحُتْلَايِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: فِي بَلَدِنَا سُلْطَانٌ يَخْلُقُ لِحْيَةَ الرِّجَالِ وَيَكْشِفُ قِنَاعَ النِّسَاءِ، قَالَ: أَقِيلُوهُ! قُلْتُ: لَا سَبِيلَ لَنَا إِلَى إِقَالَتِهِ! فَقَالَ: تُسَلِّطُونَ جَبَّارًا عَلَيْكُمْ حَتَّى إِذَا طَعَى وَاسْتَأْسَدَ، فَحَلَقَ لِحْيَةَ رَجَالِكُمْ وَكَشَفَ قِنَاعَ نِسَائِكُمْ تَأْثُوبُنِي فَتَقُولُونَ لَا سَبِيلَ لَنَا إِلَى إِقَالَتِهِ! لَا وَاللَّهِ لَا يَنْبَغِي لِبَلَدِكُمْ أَنْ يُسَكَنَ!

ترجمه‌ی گفتار:

یونس بن عبد الله ختلانی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: در سرزمین ما (تاجیکستان) حاکمی است که ریش مردان را می‌تراشد و چادر زنان را بر می‌دارد، فرمود: برکنارش کنید! گفتم: راهی به برکنار کردنش نداریم! پس فرمود: جبّاری را بر خود مسلّط می‌کنید تا آن گاه که سرکش شد و قلدری کرد، پس ریش مردانتان را تراشید و چادر زنانتان را برداشت، آن گاه به نزد من می‌آید و می‌گویید که راهی به برکنار کردنش نداریم! نه به خدا سوگند، شایسته نیست که در سرزمین شما سکونت شود!

۶. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: رَأَى الْمَنْصُورُ فِي لِحْيَتِي شُعْوَةً فَقَالَ: مِنَ الْمَرْوَةِ اعْتِدَالُ اللَّحْيَةِ، قُلْتُ: هَلْ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ لِحْيَتِهِ؟ قَالَ: لَا جُنَاحَ عَلَيْهِ مَا لَمْ يَخْلُقْ فَيَتَشَبَّهَ بِالْفَاسِقِينَ، قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا شَيْءٌ وَإِنْ بَلَغَتِ الرُّكْبَةَ! قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! هَذَا قَوْلُ الْكُهَّانِ وَالْجُوكِيَّةِ، بَلْ يَأْخُذُ مِنْهَا وَيَتَجَمَّلُ.

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: منصور در ریش من ژولیدگی یافت، پس فرمود: از مروّت، اعتدال ریش است، گفتم: آیا مرد می‌تواند از ریش خود کم کند؟ فرمود: گناهی بر او نیست مادامی که نتراشد پس به فاسقان شبیه شود، گفتم: آن‌ها می‌گویند که از آن چیزی کم نمی‌کند اگر چه به زانو برسد! فرمود: سبحان الله! این سخن کاهنان و جوکیان است، بلکه از آن کم می‌کند و آراستگی می‌جوید.

شرح گفتار:

برای خواندن شرحی بر این گفتارهای نورانی، به پرسش و پاسخ ۷۳ و تعلیقات آن مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه نخست پایگاه

صفحه انتشارات پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطالب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.